

نقش پزشک در کاروان



علی مختاری

مقدمه

در این نوشته به برخی از اوصاف نیکو و صفات پسندیده که شایسته یک پزشک است و همه از وی توقع و انتظار دارند، می‌پردازیم تا بایسته‌ها برجسته‌تر شود. گرچه پزشکان محترم به این نکات و ددها وظیفه دیگرشان عمل می‌کنند لیکن تذکر و تأکید بر مطالب مهم، خالی از خیر نیست؛ به ویژه برای کسانی که کمتر تجربه دارند.

تعبیر به «انتظارات و توقعات» از این بابت است که ما مدعی تعیین تکلیف - برای پزشک - نیستیم و شأن او را بالاتر و والاتر می‌دانیم، ولی باب بیان انتظارات باز و گسترده است. آنچه به ما جرأت و جسارت داد تا در این وادی نگاهی تحلیلی داشته باشیم، روحیه بالای پزشکان حج است که همواره در پی بهترین جایگاه معنوی و بیشترین تلاش در حوزه خدمت‌رسانی بوده و هستند و به حداقل‌ها بسنده نمی‌کردند. از این رو، بر آن شدیم تا روزه‌های رشد را بازتر و روشن‌تر نماییم.

جایگاه حاج و خادم الحجاج

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ وَقَدْ عَلِيَ اللَّهُ وَ حَقَّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ وَفْدَهُ وَ يَحْبُوهُ بِالْمَغْفِرَةِ»؛ «حج گزار و عمره گزار میهمان خدایند و برخداست که میهمانش را گرامی بدارد و او را با مغفرت، هدیه دهد.»^۱

در جایی که رأفت و رحمت الهی، تکریم زائر را بر حضرت حق لازم می شمارد، تکلیف ما، در گرامی داشت جایگاه زائران مشخص می گردد.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام چنین روایت می کند:

«مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا وَاحِدًا...»^۲

«کسیکه یک بار پیرامون این خانه - کعبه - طواف کند، خداوند برایش شش هزار حسنه مقرر می دارد و شش هزار گناهش را می بخشاید و شش هزار درجه به او عطا می کند؛ تا آن گاه که به محل مُلْتَمَزَم رسید، خداوند هشت در بهشت را به رویش می گشاید و به او گفته می شود: از هر در که می خواهی وارد بهشت شو.

پرسیدم: جانم به فدایت! این همه فضیلت در یک طواف؟!!

حضرت فرمودند: آری و تو را آگاه نمایم از کاری پرفضیلت تر از آن، بر آوردن حاجت یک

مسلمان برتر است از یک طواف، دو طواف... و شمرده اند تا رسیدند به ده طواف.»^۳

امام خمینی رحمته الله علیه هنگامیکه همراه دوستان طلبه خود برای زیارت به مشهد مقدس مشرف می شدند، دعا و زیارت خود را در حرم، مختصر انجام می داد و زودتر از دیگران به منزلی که اجاره کرده بودند، باز می گشت و خانه را نظافت، سماور را روشن و جایی را مهیا می کرد و منتظر بازگشت سایر دوستان می ماند و با آمدن دوستان، به پذیرایی از آنان می پرداخت.

روزی یکی از همراهان از ایشان پرسید: این چه کاری است که می کنید، برای انجام این کارها و خدمات، دعا و زیارت را کوتاه و مختصر می خوانید و سریع بر می گردید؟!!

امام رحمته الله علیه در پاسخ می گوید: «من ثواب این آب و جارو و آماده کردن جایی را کمتر از ثواب

آن دعا و زیارت نمی دانم.»^۴

پيامبر خدا ﷺ می فرماید: «أُنْسِكُ النَّاسِ نُسْكَاً، أَنْصَحُهُمْ جَبِيئاً وَ أَسْلَمَهُمْ قَلْباً لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ»^۵ «عبادت کننده ترین مردم، نسبت به تمامی مسلمانان، کسی است که خیر خواه تر و دل پاک تر باشد.»

و امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مِنَ السَّعَادَةِ التَّوْفِيقُ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ»^۶ «توفیق در انجام کارهای شایسته و نیکو، از سعادت و خوشبختی است.»
اکنون مطالب خود را در دو بخش سامان می دهیم: بخش نخست: ملاحظات و روابط پزشک با روحانی و مدیر کاروان و بخش دوم: چگونگی برخورد پزشک با زائران.

بخش اول: با روحانی و مدیر کاروان

۱. جایگاه رفیع پزشک

هم اکنون معمولاً پزشک، در ردیف یکی از عوامل کاروان و زیر مجموعه مدیر است و به بیانی، مدیریت دو پایه دارد: مدیر و روحانی، در نتیجه، پزشک، منتخب مدیر و تحت امر او و به ناچار، هماهنگ با او است.

پیشنهاد این است که از نظر منزلت و جایگاه؛ مدیریت مثلث باشد و پزشک هم در این منظومه، مهم، ذی نفوذ و اثرگذار و در واقع یک پایه منظور شود و راهکار آن هم این است: همانطور که الآن روحانی کاروان زیر نظر بعثه فعالیت می کند و تحت فرمان مدیر کاروان و از عوامل مدیر نیست، پزشک هم زیر نظر هیأت پزشکی حج فعالیت کند و از عوامل و خدمه مدیر و تحت فرمان مدیر نباشد و نقش او بارزتر از وضع کنونی باشد. به یاد دارم مدیر کاروانی در مکه، در حضور دیگران و پزشک - هر چند به شوخی - میگفت:

«من پزشک کاروان تعیین می کنم، من تو دهن این پزشک می زنم!»

نتیجه این پیشنهاد آن است که هر کاروانی سه رکن داشته باشد: روحانی، مدیر و پزشک و هر یک از آنان، مستقل از یکدیگر و مددکار هم باشند.

راه کار ارج نهادن به پزشک، نکته ای است که جا دارد جداگانه بررسی گردد؛ مثل اینکه او هم نسبت

به مدیر و روحانی، ارزیابی کند و نمره دهد و... بدیهی است شأن پزشک برتر از آن است که درگیر اموری شود که نتیجه اش تراحم و تداخل در کارها است. پیشنهاد ما این است که از زیر مجموعه خدمه بودن و مطیع مدیر و دست بسته بودن خارج شود و یکی از ارکان مدیریتی و مبسوط الید در حوزه مسائل بهداشت و درمان به حساب آید.

۲. پزشک، حلقه واسطه بین مدیر و روحانی

توقع این است که پزشک، حلقه واسطه میان مدیر و روحانی و مرجع محترم حل اختلافات و تفاهم آفرین باشد، نه یکی از عوامل. چه اشکالی دارد در موارد بسیار مهم؛ مثلاً اولین باری که می خواهند زائران و نیز معذوران را برای اعمال حج واجب به حرم ببرند، نظر او هم لحاظ شود. به هنگام بروز اختلافات، ما عملکردهای متفاوتی از پزشکان محترم مشاهده کرده ایم، برخی بسیار منصف و مصلح و بعضی هم در حد آشپز و خنثی یا در یک طرف جبهه عناد و اختلاف.

۳. روحانی و پزشک رفیق باشند نه رقیب

روحانیون کاروان ها توقع دارند روحانی و پزشک همدیگر را دو همکار و دو رفیق ببینند نه رقیب! مواردی مانند توزیع وقت سخنرانی و ارشاد یا بیان نکات بهداشتی از زبان روحانی و... پیش می آید که اگر دیدگاه ها، درست و دوستانه نباشد؛ رقابت و اصطکاک رخ می دهد. همچنین اگر صمیمی و آگاه باشند، در حضور دیگران - حتی سایر عوامل - به نقد و انتقاد از همدیگر نمی پردازند و یکدیگر را تضعیف نمی کنند، بلکه به صورتی محرمانه و خصوصی، نقاط ضعف و نارسایی ها را در میان می گذارند و از میان برمی دارند.

۴. پزشک در کاروان، سنگ صبور مشکلات

انتظار و توقع این است که پزشک، سنگ صبور در مشکلات، روحیه دهنده و تشویق گر زائران باشد. مواردی که پزشک مشوق روحانی بوده و گذشته از احترام های علنی در جلسات، به صورت خصوصی تشویق کرده و مثلاً اظهار می داشت: حاج آقا! استعداد و قابلیت های شما واقعاً بالاست. اصلاً به قیافه و ظاهر شما نمی خورد که این همه مهارت در بیان داشته باشید، در طرح مطالب پر محتوا استادانه عمل می کنید، در مدیریت و تدبیر ممتازید و... فراموش نمی شود.

بخش دوم: پزشک با زائران

۱. سخن گفتن به زبان قابل فهم

از آنجا که پزشکان مانند سایر اهل علم و دانشگاهیان، عمری با زبان و فرهنگ مخصوص خو گرفته‌اند، همان‌گونه که در کلاس و دانشگاه، ادبیانه سخن می‌گویند، در کاروان هم برخی پزشکان با همان ادبیات و واژگان حرف می‌زنند. غافل از آنکه درصد ناچیزی از مخاطبان هستند که زبان فصیح، یا بهتر بگوییم: زبان تخصصی پزشکی را به خوبی درک می‌کنند. پزشکی را دیدم که عین عبارت‌های مکتوب را که با کمک پاورپوینت نمایش می‌داد، تلفظ می‌کرد و زائران ما که عمدتاً روستایی بودند، اصلاً نمی‌فهمیدند.

حضرت امام راحل علیه السلام که در اوج فقه و عرفان و فلسفه و ادب بودند، در سخنرانی‌های عمومی کاملاً عامیانه و همه فهم سخن می‌گفتند. به گونه‌ای که مرادشان مفهوم عوام و خواص بود ولی نوع مردم، زبان روشنفکران یا سیاستمداران را در نمی‌یافتند و همین نکته یکی از رموز موفقیت روحانیت و حضرت امام راحل علیه السلام در نهضت و انقلاب بود.

۲. تقدیم آهیم در موارد تزاحم

توضیح: در موارد صدور مجوز توان انجام دادن اعمال، معمولاً پزشکان محترم جانب زائر را مقدم می‌دارند و سعی می‌کنند در حد امکان زائر بیمار را راهی حج کنند و مانع حج نشوند. انگیزه این تصمیم معمولاً دلسوزی زیاد پزشک است. پزشک ملاحظه می‌کند این بزرگسال بیمار سال‌های سال است، چشم انتظار زیارت و آرزومند حج و... است، از این رو، دل پزشک راضی نمی‌شود به راحتی زائر کهن سال یا بیمار را محروم کند.

پیشنهاد ما این است که در این موارد، به جای میدان دادن به عواطف و احساسات و به جای مردم دوستی و خیرخواهی برای زائر، باید تصمیمی قاطع و عاقلانه و منطقی گرفت و از ناله و نفرین زائر محروم ترسید.

زیرا صدور مجوز برای زائر ضعیف یا ناتوان، ارفاق و گذشت و فداکاری نیست، بلکه بعضاً تضییع

حقوق سایر زائران و جفا به خود این زائر و گناه است.

پزشک بر سر دو راهی است؛ اگر مجوز بدهد، درست است که دلی به دست آورده است، ولی از منظری دیگر، حق و حقوق سایر زائران، مدیر، روحانی و حتی خود همین زائر تضييع می‌شود. و این هم گناهی است نابخشودنی. بسیار دیده‌ایم زائرانی از این دست را که هم در میقات، هم در مسجدالحرام با لباس نجس، محرم میشوند یا اعمال خود را صوری انجام می‌دهند، حتی به دلیل کِهولت، در جُحفه، گاهی به شدت لجبازی می‌کردند و محرم نمی‌شدند یا در مسجدالحرام، از گفتن حالت بی‌طهارتی، خجالت می‌کشیدند و بعد از زحمات زیاد از اطرافیان می‌شنیدیم که اعمال را در حال ادرار، انجام می‌داد و... .

بنابراین، امر تصمیم پزشکی دائر است بین دو محذور، اگر مجوز بدهد، حقوقی از مدیر - روحانی و سایر زائران تضييع می‌گردد و اگر مجوز ندهد، یک زائر دلباخته محروم از حج می‌شود. آیا صرف حضور در عربستان و خوابیدن در بستر بیماری کافی است یا باید عبادتی بکند و لذتی ببرد، نه اینکه شکنجه شود و دیگران را هم بیازارد!

چنین فردی گرچه سالها چشم انتظاری کشیده، اما می‌شود همین زیارت را در سفر عمره هم با سهولت و دلپذیری انجام دهد.

وقتی خدای متعال، اعمال شاقه را برداشته و تکالیف فوق طاقتم نمی‌خواهد؛ ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛ ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا﴾، چرا پزشک مجوز بدهد تا زائر را شرعاً ملزم و مکلف به انجام مناسک کند؟! آیا حضور جمعیت چند میلیونی و ازدحام‌های طاقت‌فرسا و دوری مسافت و... احراز کننده موضوع «مشقت فوق معمول» نیست؟

در علم اصول، یکی از ملاک‌های اولویت را وجود بدل دانسته‌اند؛ مثلاً در مورد همراه داشتن آب کمی که ناگیریم با آن یا وضو بگیریم و یا بدن را تطهیر کنیم، گفته‌اند: وضو و غسل بدل دارد و بدلش تیمم است ولی طهارت بدن و لباس بدل ندارد. پس اولویت با مصرف آب برای تطهیر است. این مورد هم همینگونه است؛ یعنی زائر بیمار می‌تواند نایب بگیرد و اصلاً تنها جایی که در حال حیات، عبادت نیایی صحیح شمرده شده، همین حج است؛ یعنی در روزه و صیام، تا شخص زنده است روزه نیایی برای او صحیح نیست ولی حج نیایی صحیح است.

پیشنهاد نگارنده این است که تشخیص استطاعت بدنی زائرانِ مسن و ناتوان، تنها بر عهدهٔ پزشک کاروان نباشد، بلکه این کار را هیأت منتخب هیأت پزشکی در مراکز استانها به عهده بگیرد.

۳. رازداری یا محرمانه

از خصوصیت‌ها و ویژگی در اخلاق پزشکی، رازداری پزشک است؛ گاهی شخصی می‌خواهد دیگران از بیماری وی آگاه نشوند اما لازم است بدون ترس و نگرانی آن را با پزشک در میان بگذارد و در عرف مشهور است که پزشک محرم و رازدار افراد است. برخی از مردم تصور می‌کنند، پزشک نسبت به زنان مانند محارم است و رعایت محرمانه در مطب لغو شده است! در اینجا شایسته است میان «رازداری» و «عدم محرمانه فقهی» تفاوت قائل شویم.

۴. تبیین موضوع نه تعیین تکلیف

برخی از زائران، با اندک دشواری و مشقتی که برایشان پیش می‌آید، دست به دامن پزشک و روحانی کاروان می‌شوند؛ مثلاً اظهار می‌کنند: نمی‌توانم رمی جمرات کنم، نمی‌توانم پیاده طواف کنم و... اما دیده میشود که برخی از همین افراد توان رفتن به بازار و گشت و گذار در آن را دارند! مثلاً گاهی زائری را با ویلچر به سعی بردیم و روز بعد دیدیم همین شخص در سعی الأسواق، با بارگران، در تکاپو است!

برخی از زائران که این روحیه را دارند، در پی آن‌اند که هم حج صحیح انجام دهند و هم عذر موجه برای خود بتراشند و بالاخره نزد خود قانع و راضی هم باشند که به تکلیفشان عمل کرده‌اند! در چنین مواردی، هشیاری و زیرکی پزشکی اقتضا می‌کند که فتوا ندهد؛ مثلاً بگوید: شما که ناتوانید از همین چادر منا هم که به طرف جمره سنگی پرتاب کنید کفایت می‌کند. یا شما باید نایب بگیرید و... فقط موضوع را مشخص کند که: به تشخیص من این شخص در این حال، توان این مقدار پیاده‌روی ندارد. یا توان دارد؛ زیرا ﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ * وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِرَهُ﴾.

روحانی هم می‌باید فقط حکم و موضوع را بگوید، مثلاً: برای هر کس این مسیر، غیر قابل تحمل است یا این کار غیر قابل تحمل است ولو با استمداد از دیگران، فلان تکلیف، تغییر می‌کند. ولی نباید بگوید: شما این گونه هستید یا نیستید.

گاهی دیده شده که خانم‌هایی با اندک دشواری، تکلیف را از خود برمی‌دارند و می‌گویند: انجام رمی برای ما دشوار بود، بنابراین، نایب گرفتیم و...
گفتنی است برخی از اعمال حج، اصلاً قابل استنباط نیست؛ مثل وقوف در منا و عرفات یا حضور در میقات.

۵. سنگ صبور بحران‌ها

توقع زائر در کاروان این است که به هنگام پیش آمدن مشکلات و بحران‌های غیر مترقبه و یا معمولی که مدیر و روحانی نیز مضطرب و پریشان می‌شوند، پزشک کاروان سنگ صبور ایشان باشد و بکوشد با زیبا و آسان جلوه دادن سختی‌ها و مشکلات، نگرانی و اضطراب را برطرف سازد؛ زیرا در چنین رخدادهایی، روحانی یا مدیر - به دلیل مسؤلیت - آشفته می‌شوند و همین آشفتگی و پریشان حالی و اضطراب، به زائران نیز منتقل می‌شود و نگرانی‌های ایشان مضاعف می‌گردد.

در محفل خود راه مده همچو منی را افسرده دل، افسرده کند انجمنی را

۶. کاهنده اضطراب‌ها

عوامل اضطراب در سفر حج فراوان است. اصولاً گفته‌اند: «المسافر کالمجنون!» سفر حج، هم غربت است هم ناآشنایی با زبان مقصد، هم شرایط جدا از وطن و جدید، هم دوگانگی عقیدتی و مذهبی، هم هول و هراس جمعیت و هم اهمیت انجام اعمال صحیح با توجه به یکی دو دهه انتظار تشرف و...
و...

در این وانفسا و اقیانوس اضطراب‌ها، معمولاً گفتار و احیاناً رفتار هراسناک مدیر و روحانی هم مزید بر علت می‌گردد.

البته مدیر و روحانی قصد خیر دارند - شاید برخی پزشکان هم همین شیوه را داشته باشند - و در بیشتر جلسات آموزشی و یا خطابه‌های مکه و مدینه برای اینکه زائر مطیع باشد، موضوع را دشوار جلوه می‌دهند. مدیر می‌گوید: اگر اندکی دیر آمدید یا گم شدید و یا... جان شما بر باد است و عرب‌ها شما را می‌ربایند و...
شما را می‌ربایند و...

روحانی هشدار می‌دهد که اگر ذره‌ای یکی از گوشه‌های اعمال شما ساییده شود. تمام زحمات شما باطل و نکاح بر شما حرام و... می‌گردد.

این همه ایجاد اضطراب و ترس، به منظور رام و مطیع ساختن زائران سرکش یا سرخود اعمال می‌گردد و همین‌ها بر زائران کم دل یا کم تجربه اضطراب، ترس و وحشت می‌آورد. انتظار است که پزشک و روحانی و مدیر، زائر را متوجه، عواقب کارهای خویش نمایند و هم در همه جا آرام بخش زائران مضطرب باشند.

۷. تلاش عاشقانه

همان گونه که در اکثر موارد دیده‌ایم، زائر توقع و انتظار دارد تلاش پزشک در خدمت به زائران، عاشقانه و با دیدگاه برترین عبادت باشد نه به‌عنوان انجام وظیفه یا رفع تکلیف که در فرض اول، هیچگاه خسته نمی‌شود و دایم لذت می‌برد لیکن در فرض دوم، به زودی خسته می‌گردد و از ادامه خدمت رسانی باز می‌ماند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حج و عمره در قرآن و حدیث، ح ۳۷۲
۲. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶۴، ۲۱۷۷۱؛ کافی، ج ۲، ص ۱۵۵، ح ۸
۳. کافی، ج ۲، ص ۱۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶۴؛ عبادت‌های اجتماعی، ص ۱۹
۴. سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی ره، مصطفی وجدانی، ج ۱، صص ۹۷ و ۹۸
۵. اصول کافی، مترجم، ج ۴، ص ۴۸۲
۶. غررالحکم، ج ۶، ص ۱۹، ح ۹۲۹۶

